



تأمین اجتماعی و بیمه های خصوصی

ترجمه: زهرا دهنوی

دانشجوی رشته کارشناسی ارشد تحقیقات آموزشی

دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن

سهم هزینه های اجتماعی در درآمد ملی انعکاس یافت به طوری که پس از این دوره تولید ناخالص داخلی (GDP) نرخ رشد کمتری نسبت به سال های پس از جنگ داشت. همچنین در این دوره آگاهی از پایهها و پیامدهای انواع بیمه های اجتماعی به میزان

از زمان تأسیس مؤسسه جنوا (Geneva) . یک ربع قرن پیش . تاکنون تغییرات زیادی در بیمه های اجتماعی روی داده است. تقریباً بیست سال پس از اولین بحران نفتی، بیشتر کشورهای صنعتی برنامه های رفاهی را گسترش دادند و

قابل ملاحظه ای (فرایندی که مؤسسه جنوا نقش عمده‌ای در آن داشت) عمیق‌تر شد. اکنون بهترین دانیم چرا کشورهای صنعتی ترجیح می‌دهند اجازه رشد نامحدود به انتقال اجتماعی داده نشود و اینکه چرا انواع مکانیزم‌های انتقال برای اجتناب یا محدود کردن اثرهای منفی و حداکثر نمودن منافع، تشویق خانواده‌ها به بیمه ریسک‌های زندگی با بیمه‌های مکمل اجتماعی و به طور کلی بازبینی روش‌های عمومی انحصاری برای استفاده از مزایای رقابت در عملکرد را به شدت بررسی می‌کنند.

در این بحث ابتدا توسعه حمایت‌های اجتماعی در ربع قرن قبل (بخش اول) و سپس نتایج پژوهش‌های انجام شده درباره تأثیرات اقتصادی بیمه‌های اجتماعی از بعد خرد و کلان را مورد بررسی قرار می‌دهیم (بخش دوم) و پس از آن پدیده‌هایی را که تأثیر عمده‌ای بر اثربخشی فرایند تأمین اجتماعی دارند، مطرح می‌کنیم (بخش سوم) و در پایان نیز به طور خلاصه ارتباط بیمه‌های اجتماعی و خصوصی را در آینده مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۱- بهبود حمایت‌های اجتماعی در یک ربع قرن گذشته

در بسیاری از کشورهای صنعتی موقعیت تأمین اجتماعی به دلایلی که در پی می‌آید، رضایت بخش نیست:

۱-۱- نرخ رشد بالای هزینه‌های تأمین اجتماعی در بیست و پنج سال گذشته

به طور کلی هزینه‌های مستمري، بیمه‌های درمانی و مزایای بیمه بیکاری رویه افزایش بوده‌اند. در میان مدت‌کشنش هزینه‌های تأمین اجتماعی نسبت به تولید ناخالص داخلی بالاتر از حد متوسط و به طور میانگین بالاتر از یک بوده است. در حالی که در طی سال‌های ۱۹۷۰ تا ۱۹۸۰ رشد تولید ناخالص داخلی در بیشتر کشورهای صنعتی کاهش یافت. هزینه‌های اجتماعی اولین و مقدم‌ترین موضوع در تصمیمات مسئولان برای گسترش تسهیلات به کل جامعه، به هنگام نمودن منافع و ارائه پوشش ریسک‌های جدید مانند بیمه هزینه‌های بلندمدت بود. در برخی شرایط مسئولان با شرایط متفاوتی روبرو بودند و ناچار بودند برای افرادی که کار خود را از دست می‌دادند، بیمه بیکاری فراهم کنند.

۲-۱- در بیشتر کشورها سیستم‌های پرداخت انتقالی با کسری روبرو بودند.

در برخی کشورها مانند انگلستان، تأمین وجوه برای ارائه تسهیلات بیمه از طریق بودجه عمومی دولت سبب افزایش میزان استقراض عمومی به علت افزایش مالیات‌ها شد و در سایر کشورها مانند فرانسه و آلمان که ارائه تسهیلات تا حدودی

مستقل تر بود، چنین رشدی در کسری ادواری منعکس و سبب افزایش نرخ حق بیمه ها گشت. بنابراین، افزایش هزینه ها در کشورهای مختلف بر دوش جمعیت فعال فعلی (از طریق افزایش مالیاتها یا حق بیمه) و یا جمعیت فعال فردا (از طریق استقراض عمومی) قرار گرفت.

۱-۳- در چند سال اخیر - در طول دهه ۱۹۹۰- اغلب کشورها تصمیم گرفتند کسری ها را محدود و استقراض عمومی را تثبیت کنند.

اغلب کشورهای اروپایی از زمان امضای پیمان ماستریخت برنامه های خود را تغییر دادند، در حالی که در آمریکای شمالی ایالات متحده و کانادا، آغاز این تغییرات تنها به مدتی پیش باز می گردد که به دنبال آگاهی از معایب کسری در کارایی اقتصادی (کسری عمومی سبب افزایش نرخ بهره و جذب منابع مالی به سمت بخش خصوصی غیرمولد می گردد) و عدالت اجتماعی (نسل آتی بارهزینه های اجتماعی نسل فعلی را می پردازد) آغاز شد.

۱-۴- به رغم رشد بالای هزینه های اجتماعی جلوگیری از گسترش فقر و ناپایداری هنوز امکان پذیر نشده است.

در برخی کشورها در رفاه اجتماعی شکاف ایجاد شده است، زیرا سیاستهای جدید در از بین بردن فقر و تهی دستی ناموفق بوده اند. به

طور کلی می توان ۲۵ سال گذشته را سال های کاهش در اثر بخشی هزینه های اجتماعی دانست.

افزایش هزینه های بیمه درمانی به اندازه سال های قبل نبوده و تخصیص منابع برای کاهش بیکاری فرصت های شغلی ایجاد نکرده است. همچنین افزایش امید به زندگی در اغلب کشورها با سطح هزینه های اجتماعی مرتبط نبوده است.

۱-۵- حمایت عمومی از مکانیزم های بیمه اجتماعی در حال حاضر بدون تردید نسبت به ۲۵ سال قبل کاهش یافته است.

گسترش بیمه های اجتماعی در آن زمان در هماهنگی با شرایط تاریخی و توسعه مسئولیتها بوده است. از زمانی که بازده این روش ها کاهش یافت، خانواده ها سنگینی بار اجتماعی را بر دوش خود احساس کردند، به ویژه در بیمه های مستمری به شرط حیات. آنها درباره آینده این روند و برنامه ها و توانائی خود برای مقابله با چالش های آتی نگرانند. توزیع مجدد درآمد ملی که روش های انتقال اجتماعی برای دستیابی به آن طراحی شده اند، به نظر می رسد که قابل توجه نباشد، لذا این روش ها باید اصلاح شوند تا واقعیات پشت پرده آشکار و مشخص شود که پرداخت کننده واقعی کیست؟ و چه کسی سود می برد؟ آیا این روشها عادلانه هستند؟ ذهنیت منفی مردم درباره

مکانیزم های انتقال اجتماعی به این معنی است که در طول دهه گذشته در بیشتر کشورها مباحث سیاسی وارد زمینه های جدیدی شده اند. ثبات بلند مدت و خوش بینی در گسترش این روش ها برای پوشش جمعی ریسک ها در حال نزول است.

۲- اثرات اقتصادی مکانیزم های پرداخت انتقالی

از نظر اقتصادی درباره مکانیزم های پرداخت انتقالی بحث های متفاوتی وجود دارد. برای مثال، در گذشته اقتصاددانان به این موضوع توجه کمتری داشتند، اما در طی ۲۵ سال گذشته این مکانیزم ها مورد تجزیه و تحلیل سیستماتیک قرار گرفته و مطالعات نشان داده اند که حتی ممکن است اثرهای معکوس نیز داشته باشند.

۲-۱- مکانیزم های انتقال اجتماعی بر اقتصاد خرد

موثرند، زیرا با رفتار عوامل اقتصادی ارتباط دارند.

این موضوع کاملاً روشن است که وضع مالیات و عوارض و پرداخت آن خانواده ها را تحت فشار قرار می دهد. برای مثال، روش های پرداخت به شرط حیات سبب کاهش جمع آوری اموال از طریق کاهش پس انداز می شود. همچنین ممکن است سبب کاهش نرخ بازدهی و کاهش جمعیت فعال از طریق تشویق به خروج زود هنگام نیروی انسانی از بازار کار شود. بیمه های بیکاری که هدف اصلی آنها جبران

درآمد از دسترفته است، ممکن است سبب افزایش بیکاری شوند به ویژه زمانی که درآمد از دسترفته به درآمد دریافتی بسیار نزدیک باشد. بیمه های درمانی در برخی شرایط بدون اینکه هیچ گونه اثر مستقیمی بر بهبود سطح زندگی داشته باشند، منجر به افزایش هزینه های درمانی می شوند اگر به مالیاتها و حق بیمه توجه کنیم، افزایش فشار بر روی هزینه ها و بودجه خانوار، معادله کار- فراغت را به میزان زیادی به نفع فراغت تعدیل می کند.

هیچ یک از بررسی هایی که تاکنون بر روی تاثیر مکانیزم های انتقال صورت گرفته اند، کامل نیستند. در یک ربع قرن گذشته وسعت و عمق بررسی های انجام شده به طور چشمگیری گسترش یافته است به گونه ای که فرضیه های رفتاری جدیدی مطرح شده اند. مانند مدل محدودیت نقدینگی فردی کینز و یا مدل انتظارات پله ای مودیگلیانی.

فهرست مطالعات تجربی انجام شده بسیار طولانی است که توسط پایگاههای اطلاعاتی و تکنیک های اقتصادسنجی انجام شده اند.

از دیدگاه مالی، انتقال اجتماعی اثرات روشنی بر رفتار سازمان ها و خانواده ها دارد. برای مثال، اگر تامین اجتماعی از طریق سود پس از کسر مالیات، تامین مالی شود یا حقوق و دستمزد پایه و یا درآمد مشمول مالیات تأثیر زیادی بر دامنه

۲-۲. اخیرا مباحث بیشتری در زمینه اثرهای کلان اقتصادی بیمه های اجتماعی مطرح شده است

در این زمینه تغییرهای بسیاری روی داده است. در گذشته انتقال اجتماعی یک عامل ثبات محسوب می شد و تقاضای مصرف کننده را در دوره های تجاری متوازن می کرد.

از دیدگاه اقتصاددانان کلاسیک کینزینی در توزیع عمومی درآمدها، بیمه های اجتماعی باید به وسیله انتقال منابع از خانوارهایی که پس انداز می کنند به خانوارهایی که خرج می کنند، کمک کند. این مکتب کاهش بودجه عمومی دولت را نه تنها منفی نمی داند، بلکه آن را مثبت نیز تلقی می کند. از دید اقتصاد عمومی وقتی از سمت تقاضا به سمت سیاست های عرضه حرکت می کنیم، گسترش بدون کنترل مکانیزم های بیمه های اجتماعی سبب کاهش نرخ رشد می شوند. اگر بازگشت رشد و اشتغال کامل بر پس انداز و سرمایه گذاری نسبت به کاهش هزینه خانوارها مقدم باشد، باید روش های انتقال اجتماعی کنترل و کسری ها حذف شوند.

۲-۳. تأثیر بیمه های اجتماعی بر رقابت بین ملتها

در اغلب جوامع انتقال اجتماعی، انسجام جامعه را برای رقابت مناسب محکم می کند. این

سرمایه گذاری ها، استخدام، تولید و صادرات دارد. هر چیزی که بر قیمت عوامل تولید موثر است بر اقتصاد خرد نیز تأثیر می گذارد به ویژه زمانی که مالیاتها یا عوارض از شرکتها به جای خانواده ها گرفته شوند.

پس از ۲۵ سال، تنها چیزی که می توان با اطمینان ادعا کرد، این است که مکانیزم های انتقال اجتماعی خنثی نیستند و تأثیر چشمگیری بر رفتار عوامل اقتصادی دارند. هر چند که در عمل میزان تأثیر این عوامل از یک موقعیت به موقعیت دیگر متفاوت است. به طور خلاصه اقتصاددانان بیمه ای می دانند هر مکانیزمی برای پوشش ریسک ممکن است منجر به گسترش پدیده خطرهای رفتاری شود و هیچ دلیلی برای اینکه بیمه های اجتماعی از این قاعده مستثنی باشند، وجود ندارد. حتی می توان گفت بیمه های اجتماعی خطر وقوع خطرهای رفتاری را افزایش می دهند زیرا روش هانی که در بازار بیمه های خصوصی به کار می روند - نرخ و فرانشیز بر اساس تجربه، کنترل و اجتناب از ریسک - به ندرت در بیمه های اجتماعی دیده می شوند. به هر حال تحقیقات انجام شده در ربع قرن اخیر مبنای را برای تفکر عمیق در زمینه بهینه کردن اثربخشی انتقال اجتماعی و حداقل نمودن اثرات نامطلوب ارائه می کند.

ایده بسیار ساده است. در کشوری که رفاه عمومی و وضعیت اجتماعی مناسب است فعالیت های تجاری شرکت ها بدون نوسان است. بر اساس این تئوری، جدا از آسیب رساندن به رقابت، نقش بیمه های اجتماعی برابر با عوامل تولید است. تولید اعتماد کالای حیاتی برای رشد است.

دربرخ کشورهای دیگر، روش های کاهش ریسک عمومی مسائل عمده و حل نشدنی برای رقابت به وجود می آورد. زیرا مالیات بر وجوه به منظور تامین مالی سبب افزایش هزینه نیروی انسانی یکی از عناصر کلیدی تولید می گردد، بدون اینکه مزایای ناشی از این سیستم برای جبران اثر هزینه ای آن کافی باشد.

۳- تغییرهای اساسی و مؤثر بر حمایت های

اجتماعی

تغییرهای بسیاری در کسب و کار به وجود آمده و عوامل متعددی کارائی مکانیزم های انتقال اجتماعی را کاهش داده اند. اما به طور کلی ۴ پدیده سبب بهبود در یک ربع قرن گذشته شده اند:

۱-۳- مسن شدن جمعیت

مسن تر شدن جامعه در صدر لیست تغییرهای مؤثر بر روش های انتقال اجتماعی قرار دارد.

مکانیزم های انتقال اجتماعی پس از جنگ جهانی دوم از موقعیت ویژه جمعیتی سود می برد یعنی جمعیت جوان کافی برای تأمین مالی جمعیت مسنی که به علت دو جنگ جهانی تعدادشان کاهش یافته بود، وجود داشت. در آن زمان رکود اقتصادی با اشتغال کامل همراه بود و نیاز کمتری به انتقال اجتماعی وجود داشت. اما این شرایط در طی ۲۵ سال گذشته به زمستان جمعیتی و افزایش غیرقابل پیش بینی جوانان جویای کار منتهی شد. ضمن اینکه آمارهای جمعیتی نیز وضعیت نگران کننده ای را نشان می دهند زیرا در حالی که امید به زندگی افزایش می یابد، پوشش های مناسب وجود ندارد.

۲-۳- تغییر اندازه واحدهای اقتصادی

تغییر اندازه واحدهای اقتصادی تأثیر زیادی بر سیستم رفاه اجتماعی در آینده دارد. ترکیب خانواده ها نسبت به گذشته تغییر کرده و تعداد افراد نیز در خانواده ها کمتر شده است و اغلب خانواده ها شامل پدر، مادر و یا افراد مسنی هستند که به تنهایی زندگی می کنند. اگر خانواده را یک واحد اقتصادی که ریسک (بیماری، بیکاری و غیره) در آن تقسیم می شود، در نظر بگیریم کوچکتر شدن به معنی مراجعه بیشتر به بیمه گران برای بیمه اجتماعی و بیمه های

مقایسه با وضعیت انفعالی گذشته که پوشش‌های کوتاه مدت را برای برطرف کردن عدم اطمینان می‌پذیرفتند، نقش فعال تری را بر عهده گرفتند.

۳-۲ تغییرات تکنولوژی را نباید نادیده گرفت

پس از جنگ جهانی دوم تکنولوژی به صورت نیروی متحد کننده وارد عمل شد. در آن هنگام ساختار جامعه ساده تر بود و تجانس عوامل اجتماعی در حد بالاتری قرار داشت. لذا ارائه محصول به روش انبوه امکان پذیر بود. وجود اشتغال کامل، تقریباً نیاز به رفاه را کاهش داده بود و عملکرد یکسان را مقدور می ساخت. اگر کسی سهم حق بیمه بیماری و مستمری خود را پیش پرداخت می کرد، بیمه می شد.

در بسیاری از کشورها این سیستم مانند بیمه رفاه با حق بیمه معین عمل می کرد. اگرچه مبلغ پرداختی فرد با میزان ریسکی که به سیستم وارد می شد، متناسب نبود و بر مبنای آمار بیمه (اکچوئری) قرار نداشت، اما پیدایش اشکال جدید کار و رشد تعداد افرادی که از بازار کار خارج می شدند در مدت زمانی نسبتاً طولانی نشان داد که سیستم یکپارچه عملکرد ضعیفی دارد.

بنابراین مسئولان امور مداخله نموده و میزان مزایا و سهم حق بیمه را با تأمین مالی از عموم افزایش دادند.

خصوصی است. جالب است که در همین دوره شرکت های متوسط روند معکوسی را طی کردند.

در حال حاضر شرکت ها سهم بیشتری از ریسک را نگر می دارند که در بیمه های اموال سبب افزایش کاستنی ها و افزایش سهم نگهداری می شود. به طور معکوس در بیمه های عمر تمایل به واگذاری ریسک بیشتر شده است (روش های داخلی پرداخت مستمری های بازنشستگی با روش های پرداخت از بیرون سازمان جایگزین شده و از یک سیستم بر مبنای تعریف مزایا به سیستم با حق بیمه تعریف شده، تغییر کرده است).

۳-۳ تغییر نگرش نسبت به ریسک

نگرش نسبت به ریسک عامل دیگری است که بدون تردید تأثیر زیادی بر سیستم رفاه اجتماعی دارد. با اطمینان می توان گفت که پس از جنگ جهانی دوم بیشتر خانواده ها ریسک های زندگی را از بعد اندازه و فراوانی، چندان بالا برآورد نمی کردند.

لذا از تحت پوشش قرار دادن این ریسک ها به وسیله روش های جمعی راضی بودند. بیمه های اجتماعی اثری را به نام آشکار سازی ایجاد کرد که به معنی آگاه شدن بیشتر خانوارها از ریسک هائی است که در طول زندگی با آن مواجهند. بنابراین در

۱. رفاه اجتماعی در آینده و نقش بیمه

در اغلب کشورهای جهان سیاست های اجتماعی تغییرات عمده ای کرده اند و در برخی کشورها این تغییرها مربوط به ایجاد ایده های جدیدی بوده است.

۱.۱. جایگزینی تشویق با تنبیه

آیا باید افراد را از طریق مشوق های مالیاتی و اطلاعات بیشتر به بیمه نمودن خود در برابر ریسک تشویق نمود یا اینکه باید آنها را به اجبار وادار به پذیرش روش های رفاه عمومی کرد؟ در روش های عضویت اجباری سنتی، اطلاعات کافی برای انتخاب ریسک وجود نداشت و میزان سهم ریسکی که بر عهده بیمه گذار قرار داشت (فرانشیز) و میزان حق بیمه نیز مشخص نبود و برخی افراد بدون پوشش می ماندند یا اینکه پوشش مضاعف داشتند.

فراتر از حداقل پوشش ها، مشوق ها از نظر مالی باید قوانینی باشند که افراد را به خرید بیمه مناسب تشویق کنند. این روش مسئولیت اجتماعی را با منافع فردی ترکیب می کند، اما روش کلی مناسب باید بر مبنای تشویق باشد. برای مثال، تعریف پروژه ویژه در زمینه آموزش به این صورت که هر فرد مبلغی راپردازد و از پوشش متناسب بهره مند شود. این روش از مشکلاتی که در روش

سنتی وجود داشت، مانند دسته بندی بر اساس تخفیف مالیاتی که فقط به نفع پرداخت کننده های مالیات در سطوح بالایی درآمد مالیاتی بود، جلوگیری می کند.

۲. سرمایه گذاری به جای توزیع

بیشتر کشورهای صنعتی در طول آخرین جنگ جهانی توزیع را به سرمایه گذاری ترجیح می دادند و برای این کار سه دلیل داشتند:

۱. سطح بالای تورم که در نرخ بهره واقعی منفی منعکس می شد.
۲. تمایل دولت ها به داشتن سیستمی که نتایج آنی داشته باشد.
۳. وضعیت نرخ رشد جمعیت که توزیع را مطلوب کند.

اما در شرایط امروز تورم تا حدود زیادی کنترل و قانون بازده واقعی مثبت بر روی دارائی های ثابت ایجاد شده و تأمین مالی ریسک افزایش یافته است. ارزش افزوده متناسب با درآمد سرمایه است تا کار و امروزه از بین رفتن کنترل معاملات منجر به تنوع سرمایه گذاری بین المللی شده به تدریج در حال سرعت گرفتن است.

دلیل دیگر جوانی جمعیت بود. مشاهده این روند . مسن شدن بی سابقه جمعیت . به معنی کاهش توزیع بود و به آزمون مجدد روش های توزیع

در جوامع منجر شد. افزایش تردید نسبت به عدالت در توزیع زمانی که جمعیت مسن تر می شود، به برنده شدن یک نسل و بازنده شدن نسل دیگر منجر می گردد.

به طور خلاصه تعدادی پروژه در حال جایگزین کردن روش پرداخت نقدی با روش تأمین مالی یا محدود کردن امکان انتقالی به وسیله تکمیل آنها با روش های سرمایه گذاری هستند. البته این امر در ریسک سنین بالا به کار می رود، اما در مورد ریسک وابستگی و بیماری نیز قابل استفاده است.

۳-۴. خصوصی سازی مزایا و حقوق اجتماعی در

مقابل استاندارد سازی

در برخی کشورها سیستم رفاه اجتماعی بر اساس اصول توزیع، مالیات ها یا حق بیمه ها و توزیع مجدد منابع بر اساس معیارهای ویژه ای طراحی شد. در دیگر کشورها این سیستم بر اساس اصول انسجام و اتحاد طراحی شده است که بیانگر ارتباط سهم حق بیمه پرداختی و میزان منافع دریافتی است.

در حالت بسیار خوش بینانه سیستم های رفاه اجتماعی حالتی دوگانه دارند و ترکیب دو اصل توزیع و تجمع هستند. بنابراین امروزه ما نیازمندیم از یک سو درباره روش های تأمین مالی

سیستم رفاه اجتماعی و از سوی دیگر درباره سیستم معیارها برای طراحی مزایای رفاه (ثابت یا تسهیمی، عمومی یا دسته ای، برای شهروندان یا کل جامعه، سن و مسائل درآمدی) به صورت شفاف عمل کنیم.

اخیراً حرکتی برای حل این مسائل شروع شده است. در بسیاری از کشورها که با مسئله اصلاح سیستم رفاه اجتماعی مواجهند، دو روش وجود دارد اولین روش مبنا قراردادن مزایا برای کل جامعه است که از دیدگاه درآمدی خنثی است، اما بر اساس سن، اشتغال و وضعیت خانوادگی و رفاه اجتماعی از پوشش اجباری شخصی یا شرکتی استفاده می کند.

در روش دوم هدف گرفتن گروه خاصی در جامعه برای رفاه اجتماعی در این شرایط سایر گروهها تشویق می شوند که بیمه اختیاری بر اساس وضعیت استخدامی، بیماری و مزایای بازنشستگی خریداری کنند. در حالی که هنوز یک روند مشخصی را نمی توان مشاهده کرد، اما به نظر می رسد که حرکت به سوی فردی سازی مزایا آغاز شده است. در نتیجه مزایا بر اساس موقعیت هر فرد تعریف می شود. این روند با مزایای بیکاری و سایر مزایای وابسته قابل تشخیص است. همچنین احتمال تأثیرگذاری بر بیمه بیماری نیز وجود دارد.

۴.۴. رقابت به جای انحصار

سیستم های رفاه اجتماعی اغلب به صورت یک سازمان خاص و یا یک نهاد عمومی با موقعیت انحصاری طراحی می شوند. محدودیت های سازماندهی بیمه در انحصار - بیمه بیماری و سنین پیری - زمانی که رقابت به هر دلیل وجود نداشته باشد آشکار و هزینه های دلالتی و مطلوبیت خدمات برای ذینفع ها نادیده گرفته می شود. چنین انحصاری از موجودیت سیستم های رفاه اجتماعی خصوصی همانند شرکت های بیمه فراتر می رود.

انحصار گرایی محصول دو فرض اولیه بود

که امروزه درستی هردوی آنها با تردید روبروست:

- هر سازمانی غیر انتفاعی و عمومی بهتر از شرکت خصوصی که به دنبال بازده سرمایه است، عمل می کند.

- هرگونه رقابتی که بر اساس قانون بازار ایجاد شود، با گذشت زمان به عامل سوء استفاده تبدیل می کرد.

روشن است که تغییرهای بسیاری به وقوع

پیوسته و امروزه سیستم رفاه اجتماعی بهینه سیستمی است که سادتر باشد. مقامات باید خدمات و قوانینی را که اجرا می شوند، تعریف کنند و ممکن است سازمان های مختلفی برای اجرای این قوانین وجود داشته باشند. روش هایی

از این نوع شامل درخواست عضویت اجباری همراه با آزادی انتخاب بیمه گر می باشند. این سیستم می تواند خدمات و تضمین های بالاتری را نیز ارائه دهد. این روش رقابتی در بیمه های بیماری و حوادث صنعتی و مستمری سرمایه کاربرد دارد و به علت وجود این سیستم - در حالی که وظیفه تعریف حدود خدمات بسیار مهم است - از مزایای بازار (حداقل کردن هزینه ها و حداکثر نمودن ذخایر و حدود تضمین) بدون در نظر گرفتن جنبه های سیاسی محدود کننده بهره مند خواهد بود.

۵. نتیجه گیری : چالش های بیمه خصوصی

در حالی که فشار عمده بر روی روش های حمایت از افراد در برابر ریسک های زندگی قرار دارد، یعنی تشویق به جای اجبار، رقابت به جای انحصار، تمایز به جای تجانس، سرمایه گذاری به جای توزیع، نقش شرکت های بیمه در قرن ۲۱ بسیار مهم تر از نیمه دوم قرن ۲۰ خواهد بود و این شرکت ها، ریسک هایی را بیمه خواهند کرد که در گذشته تنها به وسیله دولت ها تحت پوشش قرار می گرفته است.

این بهبود تأثیری بر روشی که بیمه گران تجارت خود را در آینده مدیریت می کنند، نخواهد داشت. در واقع، پیش از اینکه این کار به صورت

تجارتی درآید، لازمست به برخی سئوالات به وسیله مقامات مسئول پاسخ داده شود. برخی از این موارد نیازمند توجه خاص هستند.

۱۵- انتخاب

ریسک‌های اجتماعی به علت ماهیت سازماندهی که دارند، اهمیت کمتری نسبت به ریسک قائل هستند اما انتخاب ریسک و تعیین میزان پوشش متناسب با ریسک هسته اصلی فعالیت بیمه گران تجاری است. فعال شدن شرکت های بیمه در زمینه ریسک هایی که در گذشته تنها به وسیله دولت ها بیمه می شدند، نیازمند روش‌های جدید انتخاب ریسک است. چگونه باید دسته ای خاص را بدون تبعیض انتخاب کرد؟ چگونه باید به دستبندی بدون استثنا دست یافت؟ چگونه باید بین آزادی فردی و عضویت در گروه آشتی برقرار کرد؟ چگونه باید تضمین سالانه مستمری و شرط تغییر سالانه را ترکیب نمود؟ چگونه باید مطلوبیت خدمات را با حذف برخی مسائل مربوط به بازار رقابتی ایجاد کرد؟

۲۵- اطلاعات

قرار دادن بیمه گذار تحت حمایت بیمه های اجتماعی سبب می شود که اطلاعات از اهمیت کمتری برخوردار شوند، لذا بیمه گذار کسی است که کاملاً از مزایا و وظایف خود آگاه باشد. در

سیستم رفاه یکپارچه، بیمه گر آزادی انتخاب ندارد. اگر آزادی بیشتری به بیمه گذار داده شود، مسئله ارائه اطلاعات کافی برای اطمینان از اجرای قرارداد لازم است. بنابراین برای اجرای قرارداد بیمه گر نیاز به اطلاعاتی از بیمه شده دارد. اما دستیابی به این اطلاعات به چه میزان و تحت چه قانونی؟ آیا این موارد باید به وسیله قانون مشخص شوند؟ در این حالت به موضوع حساس و ظریف دستیابی به اطلاعات پزشکی و ژنتیک بیمه شده می‌رسیم و اینکه چگونه این اطلاعات نگهداری شوند و از یک شرکت به شرکت بیمه دیگر انتقال یابند.

۳۵- تراز کردن حساب ها

درحالی که در مواقع بحرانی سیستم بیمه های اجتماعی قادر بود با افزایش حق بیمه و یا مالیات، تراز حساب های خود را حفظ کند، در برخی بیمه‌ها توان مالی باحذف منافع و مزایای بیمه گذار حاصل می‌شد. بیمه‌اجتماعی در سطح غیرقراردادی عمل می کند و شرایط بیمه ای ضمنی هر گاه لازم باشد مورد بازبینی قرار می گیرد.

اما قرارداد بیمه های خصوصی، تنها با موافقت هر دو طرف قابل تغییر است، لذا مسئله توانگری شرکت بیمه بسیار حیاتی است. مقرراتی برای نگهداری دارائی های سرمایه ای و پوشش مسئولیت ها وجود دارد و بیشتر از طریق الزام به

واژگان کلیدی:

رفاه اجتماعی، مکانیزم انتقال اجتماعی، بیمه خصوصی

منبع:

The Genva Papers on Risk and Insurance,

July 2001.

نگهداری ذخایر مستمر برای تضمین پوشش های قرارداد به دست می آید.

از دید سرمایه گذار می توان گفت سودآوری تنها با بازده مناسب سرمایه از قراردادهای بیمه ای با بیمه گری که توان پرداخت بدهی ها را دارد، به دست می آید. بر مبنای چه شرایطی شرکت هایی که الزام به سودآوری دارند می توانند وارد ریسک بیمه اجتماعی شوند؟

ورود بیمه های خصوصی به عرصه فعالیت بیمه های اجتماعی مسائلی را به وجود می آورد، از جمله: تطابق وجوه با ماهیت ریسک (به خصوص در مورد بیمه های بلند مدت و مستمری ها)، ایجاد تکنیک آماری مناسب (جدول های آماری برای تضمین مستمری) شرط تضمین وجوه برای حدتوانگری و تعریف رویه های نقدینگی برای شرکت های مشکل دار. باید مجدداً بین بیمه های خصوصی و اجتماعی که در حال پدیدار شدن است، چالش های جدی را در پیش روی بیمه قرار می دهد. اما این چالشها در حالی که فرصت هائی به ویژه در بیمه زندگی (بیماری بازممانده، پیری و حادثه)، صنعت بیمه را با سئوالات مهمی روبرو می سازد. اینکه در برابر چالش های پیش رو موفق شویم به میزان زیادی به نوع فردی و جمعی بیمه گران در مواجهه با این پاسخ ها بستگی دارد.